هفتگی کمونیست ۸۷۶

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۵ مهر ۱۴۰۵ – ۱۷ اکتبر ۲۰۲۶

از شورش مدارس تا میدان مبارزه طبقاتی در فرانسه

جوانان علیه آینده‌ای که سرمایه‌داری برایشان تدارک دیده است

علی جوادی — صفحه ۳

نبردی نویدبخش برای آینده ای بهتر در خیابانهای فرانسه

اعتراضات موجود به کابوسی برای دولت فرانسه بدل شده است

اعلامیه کمیته خارج حزب — صفحه ۷

تجمع ۱۱ اکتبر در کلن علیه مضحکه‌گردانی رژیم اسلامی

امیر عسگری — صفحه ۹

گزارش تجمعات اعتراضی خارج کشور علیه احکام شنیع اعدام در روز جهانی علیه اعدام (دهم اکتبر)

کمیته خارج حزب — صفحه ۱۰

اعدام قتل عمد دولتی است!

متن فارسی سخنرانی در اجتماع ۱۰ اکتبر علیه اعدام در استکهلم،

سیاوش دانشور — صفحه ۱۲

هیچ سیاست‌مدار، هیچ قاضی و هیچ حکومتی نفس کشیدن را به ما هدیه نداده است که امروز حق داشته باشد آن را از ما پس بگیرد.

حق حیات مطلق است؛ بدون قید، بدون شرط و بدون هیچ معامله‌ای!

اعلامیه حزب حکمتیست

شلاق بر تن کارگر، ننگ بر پیشانی حکومت اسلامی!

در محکومیت شلاق زدن کارگران معترض پتروپارس

تصور کنید! در قرن بیست و یکم، کارگری را که سال‌ها در گرمای سوزان خوزستان نفت را از زمین بیرون کشیده و ثروت تولید کرده است، به جرم اعتراض به اخراج و بیکاری به شلاق می‌بندند! دسترنجش را می‌خواهند، سکوتش را می‌خواهند، تسلیمش را می‌خواهند. اما وقتی زبان به اعتراض می‌گشاید، قانون و قاضی و مامور اجرای حکم را به سراغش می‌فرستند.

بنا بر گزارش‌های منتشرشده، بیش از ده کارگر پتروپارس در هویزه به دلیل اعتراض به اخراج و بیکاری، به ۷۴ ضربه شلاق و جریمه نقدی محکوم شده‌اند و این مجازات به اجرا نیز درآمده است. این فقط شلاق زدن چند کارگر نیست؛ تصویری از نظمی ضد کارگری – ضد انسانی است که تولید کننده ثروت را بی‌حقوق می‌خواهد و اعتراض به بیکاری و فقر را جرم می‌شمارد.

چه منظره هولناکی! ثروت از کار کارگر انباشته می‌شود، اما بیکاری و ناامنی سهم اوست. کارفرما شکایت می‌کند و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در محکومیت شلاق زدن کارگران معترض پتروپارس ...

دستگاه قضایی به سراغ کارگر می‌رود. اینجا شلاق تنها ابزار شکنجه نیست؛ زبان عریان قدرت سرمایه است که می‌خواهد کارگر را به اطاعت وادارد. کارگر باید کار کند، سود تولید کند، اخراج شود و دم نزند!

حکومت اسلامی از آغاز حیات خود، شلاق و زندان و چوبه دار را به ابزار حکومت بر جامعه بدل کرده است. زن را به جرم سرپیچی از حجاب اسلامی تعقیب می‌کند، روابط عاشقانه و خصوصی انسان‌ها را با سنگسار مجازات کرده، هنرمند و خواننده را به جرم شکستن ممنوعیت‌های مذهبی به محاکمه می‌کشد، معترض را به زندان می‌اندازد، بسیاری را به دار می‌کشد و کارگر را به جرم دفاع از معاش خود شلاق می‌زند و زندان میکند. در این دستگاه، انسان باید در برابر خدا، سرمایه، دولت و قانون شرع سر خم کند؛ و هر کس سر خم نکند، با مجازات روبه‌رو می‌شود. این است چهره زمینی حکومت آسمانی، حکومت اسلامی، حکومت سرمایه!

شلاق اسلامی در این پرونده ماموریتی کاملا زمینی دارد: حفاظت از مناسبات استثمار. مسئله فقط یک حکم قضایی نیست؛ مسئله قدرتی است که حق اخراج را برای کارفرما به رسمیت می‌شناسد، اما اعتراض کارگر به اخراج را به پرونده کیفری تبدیل می‌کند. این منطق سرمایه است؛ چه در عبای حکومت اسلامی ظاهر شود، چه در لباس فاخر سلطنت. تقدس بازار و سود، تقدس دین و تاج، تماما ضد آزادی و برابری و رفاه انسان‌اند.

اما آزادی کارگر تنها رهایی از شلاق و زندان نیست؛ رهایی از مناسباتی است که زندگی و معاش او را به فروش نیروی کارش و سودآوری سرمایه مشروط کرده است. جامعه‌ای که در آن ثروت را اکثریت تولید می‌کنند، اما اقلیتی صاحب سرمایه بر سرنوشت تولید کنندگان حکم می‌راند، جامعه‌ای آزاد و برابر نیست. رهایی کارگر، رهایی جامعه از سلطه سرمایه و پایان دادن به نظام کار مزدی است.

تاریخ این جامعه را نباید فقط با تاریخ حاکمان و جلادانش نوشت. تاریخ واقعی آن را میلیون‌ها کارگر و مردم آزادی‌خواه نیز ساخته‌اند که زیر بار فقر و فلاکت، تبعیض، تحقیر و استبداد زندگی کرده‌اند، اما در برابر آن ایستاده‌اند. کارگرانی که اعتصاب کرده‌اند، زنانی که حجاب اسلامی را به چالش کشیده و به دور انداخته‌اند، جوانانی که آزادی و رهایی از اختناق فرهنگی خواسته‌اند و خانواده‌هایی که در برابر اعدام و زندان سکوت نکرده‌اند .هیچ حکم شرعی و هیچ قانون حکومتی نمی‌تواند شلاق زدن انسان را موجه کند. هیچ کارفرمایی حق ندارد اعتراض کارگر را به پرونده کیفری تبدیل کند. هیچ حکومتی حق ندارد زندگی و معیشت انسان را به اطاعت سیاسی مشروط کند.

حزب کمونیست کارگری ایران . حکمتیست خواهان لغو تمامی احکام علیه کارگران پتروپارس، بازگشت فوری اخراج شدگان به کار، جبران خسارات آنان، لغو کامل مجازات شلاق، اعدام و شکنجه، و به رسمیت شناختن بی قید و شرط حق اعتصاب، اعتراض و تشکل مستقل کارگری است.

جای شلاق در موزه تاریخ بربریت است، نه بر تن انسان. جای طناب دار نیز همان‌جاست؛ در کنار دیگر ابزارهای شکنجه، به عنوان یادگارهایی عبرت‌آموز از دوران تحقیر و اسارت بشر .آینده‌ای شایسته انسان، آینده‌ای است که در آن نه کارگر به جرم اعتراض مجازات شود، نه زن به جرم آزادی، نه هنرمند به جرم آفرینش و نه هیچ انسانی به جرم عقیده و مخالفت با قدرت.

بساط این حکومت فقر و فلاکت، شلاق و شکنجه، اعدام و تحقیر انسان باید برای همیشه برچیده شود. جمهوری اسلامی با تمام دستگاه سرکوب، قوانین ارتجاعی و نهادهای مذهبی‌اش باید به گورستان تاریخ سپرده شود. اما پایان حکومت اسلامی نباید آغاز بازگشت استبدادی دیگر باشد. مردم برای آن از زیر عبای آخوند بیرون نمی‌آیند که دوباره زیر سایه تاج و تخت و ساواک به بند کشیده شوند. فردای جمهوری اسلامی نباید روز تعویض جلادان، تغییر پرچم بر فراز زندان‌ها و نشاندن تاج بر سر همان مناسبات استثمار و سرکوب باشد. آزادی، برابری و حرمت انسان نه با فرمان خداوند به دست می‌آید، نه با حکم شاه و نه با تقدس سرمایه. آینده باید از آن انسان‌های آزادی باشد که برای رهایی از هر شکل استثمار، تبعیض، استبداد، جهل و نظام طبقاتی مبارزه کرده‌اند. نه بازگشت به گذشته، نه تداوم بربریت امروز؛ تنها جامعه‌ای آزاد، برابر، سکولار و سوسیالیستی، شایسته انسان است!

رفقای کارگر، کارگران نفت و پتروشیمی!

مجامع عمومی کارگری محل تصمیم‌گیری جمعی شما درباره مسائل مشترک کار و زندگی است. تعرض به حقوق و حرمت کارگران پتروپارس نیز موضوعی است که باید در این مجامع به بحث گذاشته شود. صدور قطعنامه‌های اعتراضی، تجمعات و اعتراضات هماهنگ، حمایت از کارگران پتروپارس و مطالبه لغو احکام شلاق و بازگشت اخراج‌شدگان به کار، از جمله اقداماتی است که درباره آنها می‌توان آزادانه و جمعی تصمیم گرفت.

هیچ کارگری نباید در برابر تهدید به شلاق، اخراج و سرکوب تنها بماند. تصمیم آگاهانه و متحدانه شما کارگران در مجامع عمومی، پایه دفاع جمعی از حقوق، معیشت و حرمت انسانی است. اعتراض یک کارگر به بی‌حقوقی، مسئله تمام طبقه کارگر است؛ تعرض به حرمت یک کارگر، تعرض به حرمت همه کارگران است!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
۲۰ مهر ۱۴۰۵ – ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶

مرگ بر جمهوری اسلامی!

از شورش مدارس تا میدان مبارزه طبقاتی در فرانسه

جوانان علیه آینده‌ای که سرمایه‌داری برایشان تدارک دیده است

علی جوادی

فرانسه بار دیگر در التهاب اعتراضات اجتماعی است. جنبشی که از مدارس و دبیرستان‌ها و در اعتراض به کمبود معلم، امکانات آموزشی و آینده مبهم نسل جوان آغاز شد، اکنون به دانشگاه‌ها و بخش‌هایی از جنبش کارگری گسترش یافته است. دانش آموزانی که قرار بود پشت نیمکت‌های مدرسه برای زندگی آینده آماده شوند، به خیابان آمده‌اند تا علیه شرایطی اعتراض کنند که همین آینده را به گروگان گرفته است.

اعتراضات فرانسه را نباید به نارضایتی از چند تصمیم آموزشی تقلیل داد. آنچه در مدارس فرانسه سر باز کرده، جلوه‌ای از یک تناقض بنیادی جامعه سرمایه داری است: جامعه‌ای با ثروت عظیم، امکانات علمی و ظرفیت تولیدی بی‌سابقه، اما ناتوان در تأمین برابر و همگانی ابتدایی‌ترین نیازهای انسانی. جامعه‌ای که برای سودآوری سرمایه منابع فراوان دارد، اما وقتی نوبت به آموزش، درمان، مسکن و رفاه عمومی می‌رسد، ناگهان خزانه‌اش خالی می‌شود!

در سرمایه‌داری، فقر و محرومیت محصول ناتوانی جامعه در تولید ثروت نیست؛ محصول مناسباتی است که ثروت اجتماعی را به مالکیت و قدرت اقلیتی سرمایه‌دار تبدیل می‌کند. مسئله کمبود ثروت نیست، مسئله حاکمیت سرمایه بر ثروتی است که جامعه تولید می‌کند .جوانان فرانسه تنها علیه وضع موجود مدارس اعتراض نمی‌کنند؛ علیه آینده‌ای به میدان آمده‌اند که قرار است در آن نابرابری امروز به سرنوشت فردای آنان تبدیل شود.

آموزش طبقاتی؛ آینده‌ای که از پیش تقسیم شده است

مطالبات معترضان روشن است: استخدام معلمان بیشتر، کاهش تراکم کلاس‌ها، افزایش بودجه آموزش عمومی، بهبود امکانات مدارس، لغو نظام گزینش و پذیرش دانشگاهی موسوم به پارکورساپ (Parcoursup)، که به اعتقاد معترضان نابرابری‌های طبقاتی در دسترسی به آموزش عالی را تشدید می‌کند، و پایان دادن به تبعیض‌های آموزشی.

اینها مطالباتی ابتدایی در جامعه‌ای هستند که خود را یکی از مراکز تمدن، آزادی و برابری جهان معرفی می‌کند. اما در پس این مطالبات، مسئله‌ای بسیار بنیادی‌تر قرار دارد .آموزش در سرمایه‌داری تنها وسیله انتقال دانش نیست؛ یکی از ساز و کارهای بازتولید تقسیم طبقاتی جامعه و آماده سازی نیروی کار مورد نیاز سرمایه است. فرزند خانواده ثروتمند با امکانات آموزشی، روابط اجتماعی و امنیت اقتصادی بیشتری وارد رقابت می‌شود. فرزند خانواده کارگر و محروم باید با کمبود امکانات، فشار اقتصادی و ناامنی آینده دست و پنجه نرم کند. سپس همین نظام، نتیجه این رقابت نابرابر را به حساب "استعداد"، "شایستگی"و "موفقیت فردی" می‌گذارد!

این همان معجزه "عدالت" بورژوایی است: ابتدا امکانات زندگی را نابرابر تقسیم می‌کنند، سپس از همگان می‌خواهند در مسابقه‌ای به ظاهر برابر شرکت کنند! سرمایه‌داری به نیروی کار با سواد، ماهر و متخصص نیاز دارد، اما نه به انسان‌هایی آزاد از اجبار اقتصادی و سلطه طبقاتی. سرمایه نیروی کار را می‌خواهد، نه انسانی را که اختیار زندگی و سرنوشت خود را در دست داشته باشد.

مسئله تنها کمبود بودجه نیست. مسئله تقدم سود و انباشت سرمایه بر نیازهای انسانی است. آموزش رایگان، باکیفیت، برابر و همگانی، از کودکستان تا دانشگاه، نه امتیاز دولت به شهروندان، بلکه حقی غیرقابل معامله است. رشد آزادانه انسان و دسترسی به آموزش نباید به درآمد خانواده، محل تولد یا موقعیت طبقاتی او وابسته باشد .جامعه‌ای که دانش و توانایی انسان را به کالا و آینده جوانان را به میدان رقابت طبقاتی تبدیل می‌کند، نمی‌تواند مدعی برابری واقعی فرصت‌ها باشد. برابری واقعی نه از برابر کردن خط شروع یک مسابقه نابرابر، بلکه از برچیدن مناسباتی آغاز می‌شود که زندگی انسان‌ها را به مسابقه دائمی برای بقا تبدیل کرده است.

کمونیسم کارگری تحقق مطالبات فوری را به فردای انقلاب موکول نمی‌کند. هر مدرسه بهتر، هر معلم بیشتر، هر قدم در جهت آموزش برابر و هر عقب نشینی تحمیل شده به دولت، دستاوردی واقعی برای مردم است. اما مبارزه برای این دستاوردها نباید در افق اصلاح دائمی مناسبات موجود محبوس بماند. مسئله تنها گرفتن سهم بیشتری از ثروت اجتماعی نیست؛ پایان دادن به مناسباتی است که تولیدکنندگان ثروت را از اختیار بر حاصل کار و سرنوشت جامعه محروم کرده است.

ورود طبقه کارگر؛ نقطه تعیین کننده جنبش

یکی از مهم‌ترین تحولات اعتراضات فرانسه، حمایت عملی بخش‌هایی از جنبش اتحادیه‌ای کارگران است. کنفدراسیون عمومی کار فرانسه، CGT، نه فقط از مطالبات دانش‌آموزان دفاع کرده، بلکه در بسیج اعتراضات، حمایت از تجمعات و فراخوان‌های اعتصاب مشارکت داشته است. تشکل‌های معلمان و کارکنان آموزش، از جمله FSUو دیگر اتحادیه‌ها نیز به درجات مختلف به این اعتراضات پیوسته‌اند.

صفحه ۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

از شورش مدارس تا میدان مبارزه طبقاتی در فرانسه

جوانان علیه آینده‌ای که سرمایه‌داری برایشان تدارک دیده است ...

تشکل‌های کارگری و آموزشی، در کنار حمایت از مطالبات دانش‌آموزان، خواهان توقف حذف مشاغل در بودجه آموزش، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش دستمزدها، تثبیت موقعیت کارکنان قراردادی و بهبود امکانات مدارس شده‌اند. این مطالبات نشان می‌دهد که مسئله آموزش به عرصه‌ای از مبارزه عمومی‌تر علیه کاهش خدمات اجتماعی و تعرض به شرایط کار و زندگی مزدبگیران تبدیل شده است.

این پیوند اهمیت سیاسی تعیین کننده‌ای دارد. دانش‌آموزی که امروز علیه کمبود معلم اعتراض می‌کند، ممکن است فردا کارگری باشد که با استثمار، بیکاری و ناامنی شغلی روبه‌رو خواهد شد. معلمی که امروز علیه کاهش امکانات آموزشی مبارزه می‌کند، خود مزدبگیری است که با فشار اقتصادی و تعرض به شرایط کار و زندگی مواجه است.

طبقه کارگر تنها یکی از اقشار ناراضی جامعه نیست. طبقه‌ای است که با کار خود ثروت اجتماعی را تولید و بازتولید می‌کند، اما از کنترل بر حاصل کار و سرنوشت تولید محروم است. قدرت اجتماعی این طبقه از همین جایگاه بنیادی در مناسبات تولید ناشی می‌شود. مبارزه کارگری، هنگامی که از محدوده فروش بهتر نیروی کار فراتر رود، ظرفیت آن را دارد که اصل خرید و فروش نیروی کار و سلطه سرمایه بر جامعه را به مصاف بکشد.

اما حمایت اتحادیه‌ای هنوز به معنای شکل گیری یک جنبش متحد طبقاتی نیست. میان صدور بیانیه همبستگی، شرکت در تظاهرات و سازماندهی اعتصاب گسترده و موثر تفاوتی اساسی وجود دارد .مسئله حیاتی این است که آیا کارگران صنایع، حمل و نقل، خدمات عمومی و دیگر بخش‌های اقتصاد به نیرویی فعال و مستقل در این مبارزه تبدیل خواهند شد؟ آیا اعتراض به وضعیت مدارس می‌تواند با مبارزه علیه کاهش دستمزد واقعی، ریاضت اقتصادی، بیکاری و تعرض به خدمات عمومی پیوند بخورد؟

قدرت این جنبش تنها در شمار دانش‌آموزانی نیست که مدرسه را تعطیل می‌کنند؛ در ظرفیت آن برای پیوند با نیروی اجتماعی‌ای است که می‌تواند چرخ تولید و اقتصاد سرمایه‌داری را متوقف کند .

طبقه کارگر برای رهایی خود نمی‌تواند به رهایی خویش در محدوده کارخانه و محیط کار بسنده کند. رهایی کارگر مستلزم رهایی کل جامعه از مناسبات طبقاتی است. از این رو مبارزه برای آموزش برابر، آزادی زنان، رفع تبعیض، رفاه کودکان و آزادی‌های سیاسی، موضوعاتی بیرون از مبارزه طبقاتی نیستند؛ عرصه‌های واقعی مبارزه برای رهایی انسان‌اند.

دولت ماکرون؛ بودجه برای سرمایه، پلیس برای جوانان!

دولت ماکرون همان سیاست همیشگی و آشنای سرمایه را دنبال می‌کند: تا زمانی که اعتراضات در چارچوب نظم موجود باقی بمانند و قابل کنترل باشند، از آنها بعضا تجلیل هم می‌کنند؛ اما وقتی جوانان از آزادی‌های سیاسی خود برای اعتراض به سیاست‌های دولت استفاده می‌کنند، ماشین سرکوب وارد میدان می‌شود.

گزارش‌های منتشرشده از بیش از شش هزار بازداشت، عمدتا در میان نوجوانان، و موارد متعدد جراحت حکایت دارند. یک نوجوان پانزده ساله بر اثر انفجار نارنجک پلیس دست خود را از دست داده است. استفاده از گاز اشک‌آور و سلاح‌های پلیسی علیه معترضان نیز گزارش شده است .و چه تصویر گویایی از تمدن طبقه حاکم و نظام سرمایه‌داری! جوانان معلم می‌خواهند، دولت پلیس می‌فرستد. امکانات آموزشی می‌خواهند، با گاز اشک آور روبه‌رو می‌شوند. آینده می‌خواهند، به بازداشتگاه منتقل می‌شوند!

دولت سرمایه‌داری تنها مدیر خدمات عمومی نیست؛ اساسا پاسدار مناسبات مالکیت و قدرت طبقاتی موجود است. هنگامی که مطالبات اجتماعی با اولویت‌های اقتصادی و سیاسی حاکمیت برخورد می‌کنند، پشت چهره مدیران تکنوکرات، قدرت قهری دولت آشکار می‌شود. همان دولتی که در برابر سرمایه با زبان حمایت و تضمین سخن می‌گوید، در برابر اعتراض اجتماعی می‌تواند به زبان باتوم و بازداشت متوسل شود.

دولت از یک سو وعده اصلاحات محدود می‌دهد و از سوی دیگر می‌کوشد با فرسوده کردن اعتراضات و اتکا به تعطیلات مدارس، این جنبش اعتراضی را از نفس بیندازد. این سیاست ترکیبی از امتیازدهی محدود، خریدن زمان و اعمال فشار پلیسی است .در مقابل، دفاع از آزادی اعتراض و اعتصاب، آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان و پایان دادن به سرکوب باید جزئی جدایی‌ناپذیر از مطالبات این جنبش اعتراضی باشد.

راست افراطی؛ دشمن برابری در لباس "مدافع مردم"

راست افراطی فرانسه، به ویژه جریان "اجتماع ملی"، می‌کوشد نارضایتی اجتماعی را به سرمایه سیاسی خود تبدیل کند. این جریان مسئله را به انضباط، اقتدار، گزینش سخت‌گیرانه‌تر و بازگشت به ارزش‌های سنتی تقلیل می‌دهد. در حالی که جوانان علیه نابرابری امکانات و محدودیت آینده اعتراض می‌کنند، این جریان نسخه تشدید رقابت و کنترل را پیش می‌گذارد.

ناسیونالیسم و مهاجرستیزی نیز می‌توانند نارضایتی از سیاست‌های اقتصادی را از مناسبات طبقاتی منحرف کنند و کارگران و جوانان را بر اساس ملیت، محل تولد و مذهب در برابر یکدیگر قرار دهند. راست افراطی می‌خواهد خشم علیه نابرابری را حفظ کند، اما جهت آن را تغییر دهد؛ به جای نقد مناسبات اقتصادی، دشمنی با مهاجران و اقلیت‌ها را بنشاند. این همان سیاست ضد انسانی است که به جای مبارزه با فقر، فقرا را به جان یکدیگر می‌اندازد!

صفحه ۵

از شورش مدارس تا میدان مبارزه طبقاتی در فرانسه

جوانان علیه آینده‌ای که سرمایه‌داری برایشان تدارک دیده است ...

این جریان دشمنی کور خود را با کمونیسم، برابری طلبی و همبستگی طبقاتی پنهان نمی‌کنند. می‌کوشد کارگر فرانسوی را به سرمایه‌دار فرانسوی نزدیک‌تر از کارگر مهاجر نشان دهد؛ گویی پرچم ملی می‌تواند تضاد میان کار و سرمایه را از میان بردارد !اما استثمار، فرانسوی و مهاجر نمی‌شناسد. سرمایه برای سود خود مرز نمی‌شناسد، اما برای تقسیم کارگران هزار مرز ملی، قومی و مذهبی می‌سازد .خصلت ضد فاشیستی بخش‌هایی از تظاهرات، که ثژت نیز در بیانیه ۱۳ اکتبر بر آن تأکید کرده، از همین رو اهمیت دارد.

سوسیالیسم کارگری؛ از مبارزه جاری تا سازماندهی انقلاب اجتماعی

فرانسه کشوری با سنت تاریخی نیرومند مبارزه طبقاتی است. از کمون پاریس تا اعتصابات بزرگ کارگری، از مه ۱۹۶۸ تا مبارزات علیه اصلاحات بازنشستگی، طبقه کارگر و جوانان بارها نشان داده‌اند که می‌توانند نظم سرمایه‌داری را به چالش بکشند و حاکمیت را به عقب‌نشینی وادار کنند. این تاریخ، گواه قدرت اجتماعی و ظرفیت انقلابی طبقه‌ای است که جامعه را می‌گرداند و می‌تواند سرنوشت آن را نیز در دست بگیرد.

امروز نیز نیروهای متفاوتی در مبارزات اجتماعی حضور دارند. این حضور، همراه با سنت ریشه‌دار مبارزه طبقاتی، ظرفیت مهمی برای گسترش نفوذ سوسیالیسم کارگری فراهم می‌کند. مسئله اساسی، تبدیل این ظرفیت به یک نیروی سیاسی متشکل، توده‌ای و مدعی قدرت است.

بخشی از چپ فرانسه افق اش اساس اصلاح سرمایه‌داری و رقابت‌های پارلمانی است. اما تفاوت کمونیسم کارگری با سوسیالیسم بورژوایی صرفاً در رادیکال‌تر بودن شعارها نیست. برای چپ پارلمانی، کارگر عمدتاً رأی‌دهنده و نیروی فشار بر دولت است؛ برای کمونیسم کارگری، طبقه کارگر نیرویی است که باید خود قدرت سیاسی را تصرف کند و اداره جامعه را سازمان دهد. کمونیسم کارگری نه اصلاحات را به نام انقلاب کنار می‌گذارد و نه انقلاب را به نام اصلاحات از دستور خارج می‌کند. مبارزه برای بهبود فوری زندگی مردم، عرصه‌ای برای تقویت سازمان‌یابی و قدرت اجتماعی طبقه کارگر و پیشروی به سوی سوسیالیسم است.

جنبش اعتراضی جوانان و پیوند آن با مبارزات کارگری فرصتی مهم برای گسترش نفوذ سوسیالیسم کارگری است. هر اعتصاب، هر مجمع عمومی، هر تشکل مستقل و هر حرکت متحد کارگران و جوانان می‌تواند گامی در جهت تبدیل اعتراضات پراکنده به جنبشی آگاهانه و سازمان‌یافته برای تغییر جامعه باشد. مسئله نه صرفا رادیکال‌تر کردن شعارها، بلکه ایجاد سازمان، افق سیاسی و رهبری سوسیالیستی در متن مبارزات واقعی مردم است.

انقلاب کارگری نیز صرفا انقلاب کارگران به معنای محدود صنفی نیست؛ انقلابی برای رهایی طبقه کارگر از بردگی مزدی و سلطه سرمایه است که به تبع آن کل جامعه و انسان را از اسارت مناسبات طبقاتی آزاد می‌کند. اما این انقلاب محصول خود به خودی گسترش اعتراضات نیست. تحقق آن مستلزم شکل‌گیری تحزب نیرومند، رادیکال و توده‌ای کمونیسم کارگری است؛ تحزبی که افق سوسیالیستی را به نیروی مادی و سیاسی طبقه کارگر تبدیل کند، مبارزه برای مطالبات فوری را با مبارزه برای کسب قدرت سیاسی پیوند دهد و سازمان‌دهنده انقلاب اجتماعی برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه باشد.

از این رو، شکل دادن به تحزب کمونیسم کارگری در فرانسه نه صرفاً مسئله‌ای تشکیلاتی، بلکه ضرورتی سیاسی برای پیشروی مبارزه طبقاتی و تحقق انقلاب اجتماعی است. فرانسه با تاریخ کمون پاریس، سنت مبارزات کارگری و نسل تازه‌ای از جوانان معترض، زمینه‌های اجتماعی مهمی برای چنین پیشروی‌ای دارد. مسئله تبدیل این ظرفیت اجتماعی به قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای است که بتواند پرچم آزادی، برابری و سوسیالیسم را به آلترناتیوی واقعی در برابر حاکمیت سرمایه تبدیل کند.

زنده باد کمون پاریس؛ تاریخی که هنوز حرف دارد!

در فرانسه، یادآوری کمون پاریس صرفاً بازگشت به خاطره‌ای تاریخی نیست. کمون ۱۸۷۱ نخستین تجربه بزرگ تلاش کارگران برای در دست گرفتن قدرت سیاسی و اداره جامعه از پایین بود؛ تجربه‌ای کوتاه، خونین و به شکست کشانده شده، اما با میراثی عظیم برای جنبش سوسیالیستی کارگری در جهان.

کمون نشان داد که طبقه کارگر تنها نیروی اعتراض به قدرت موجود نیست؛ می‌تواند خود مدعی اداره جامعه باشد. اشکال اداره مستقیم و آزاد جامعه، انتخابی و قابل عزل بودن نمایندگان و مسئولان، نفی امتیازات دستگاه حاکمه و دخالت مستقیم توده مردم کارکن در سرنوشت خویش، از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی آن تجربه بودند.

درس بزرگ کمون این نبود که کارگران می‌توانند دولت موجود را بهتر اداره کنند؛ این بود که رهایی کارگر مستلزم درهم شکستن ساختار قدرتی است که برای حفظ سلطه طبقاتی سرمایه سازمان یافته و جایگزین کردن آن با قدرت مستقیم و متشکل توده‌های کارکن است. کمون مسئله قدرت سیاسی را از انحصار طبقات حاکم بیرون کشید و به موضوع مبارزه عملی طبقه کارگر تبدیل کرد.

کمون پاریس این حقیقت را در برابر جهان سرمایه‌داری قرار داد که کارگران محکوم نیستند برای همیشه تولید کننده ثروت و

صفحه ۶

علیه فقر، علیه گرانی بپاخیزیم!

از شورش مدارس تا میدان مبارزه طبقاتی در فرانسه

جوانان علیه آینده‌ای که سرمایه‌داری برایشان تدارک دیده است ...

فرمان بردار صاحبان سرمایه باقی بمانند. همان دست‌هایی که جامعه را می‌سازند و می‌گردانند، می‌توانند اداره آن را نیز در دست بگیرند .شعار "زنده باد کمون پاریس" در متن مبارزات امروز می‌تواند یاد آور این حقیقت باشد که رهایی انسان نه از طریق تعویض مدیران نظام موجود، بلکه با دگرگونی مناسبات قدرت و مالکیت ممکن می‌شود.

اما نباید میان جنبش کنونی و موقعیت انقلابی سال ۱۸۷۱ علامت تساوی گذاشت. اعتراضات امروز هنوز در مرحله طرح مطالبات اجتماعی و مقابله با سیاست‌های دولتی قرار دارند. پیوند دادن این مطالبات با افق سوسیالیستی نیازمند مبارزه سیاسی، تشکل یابی و کسب اعتماد اجتماعی است.

نقاط ضعف جنبش و شرایط پیشروی

جنبش کنونی با همه گستردگی و انرژی خود با محدودیت‌های معینی نیز روبروست. هیچ جنبش اجتماعی صرفاً به اعتبار گستردگی اعتراضات خود به جنبشی انقلابی تبدیل نمی‌شود. آنچه سرنوشت یک جنبش اجتماعی را تعیین می‌کند، علاوه بر توازن قوای اجتماعی، افق سیاسی، سیاست ناظر بر آن، سازمان یافتگی و توان آن برای تبدیل نارضایتی پراکنده به اراده آگاهانه و متشکل برای تغییر جامعه است .این جنبش هنوز فاقد سازماندهی پایدار و سراسری متناسب با ابعاد اعتراضات است. بسیج خیابانی، هر اندازه گسترده، جای تشکل‌های ماندگار، مجامع عمومی و ساز و کارهای شورایی تصمیم گیری را نمی‌گیرد . مطالبات جنبش عمدتاً آموزشی و اجتماعی‌اند. علیرغم اهمیت در خود این مبارزه، اما این مطالبات می‌توانند به مبارزه‌ای گسترده‌تر علیه سیاست‌های ریاضتی حاکمیت سرمایه پیوند بخورند، اما چنین گسترشی خود به خود رخ نمی‌دهد.

خطر فرسایش جنبش واقعی است. تعطیلات مدارس، فشار پلیسی، بازداشت‌ها و وعده‌های محدود دولت می‌توانند از تداوم اعتراضات بکاهند. و ... با این همه، جنبش ظرفیت‌های مهمی نیز دارد: مشارکت گسترده جوانان، همبستگی معلمان، ورود اتحادیه‌های کارگری، حمایت اجتماعی و تجربه تازه سازماندهی جمعی .فراخوان اعتصاب مشترک بخش‌های مختلف در پنجم نوامبر، که ثژت در تدارک آن است، می‌تواند یکی از آزمون‌های مهم توان گسترش جنبش باشد.

چشم‌انداز؛ از اعتراض اجتماعی تا امکان دگرگونی اجتماعی - طبقاتی

آینده اعتراضات فرانسه هنوز باز است. ممکن است دولت با عقب نشینی‌های محدود بخشی از مطالبات را پاسخ دهد. ممکن است سرکوب و فرسایش، جنبش را موقتاً به عقب براند. همچنین ممکن است پیوند اعتراضات دانش‌آموزی با اعتصابات کارگری، مبارزه را وارد مرحله گسترده‌تری کند .اما حتی اگر اعتراضات فروکش کنند، تضادهایی که آنها را پدید آورده‌اند از میان نخواهند رفت. نابرابری آموزشی، فشار اقتصادی، ناامنی آینده و بحران خدمات عمومی با پایان یک موج اعتراض ناپدید نمی‌شوند.

سرمایه داری می‌تواند از این یا آن بحران عبور کند، دولت عوض کند، سرکوب کند، امتیاز بدهد و به برخی اصلاحات تن دهد؛ اما تا زمانی که تولید اجتماعی تابع سود خصوصی و نیروی کار کالایی برای فروش باشد، تضاد میان نیازهای انسانی و منطق انباشت سرمایه همچنان بازتولید خواهد شد.

جنبش اعتراضی اخیر بار دیگر پرسشی حیاتی، بسیار فراتر از وضعیت مدارس، در برابر جامعه قرار داده است: چرا جامعه‌ای با این همه ثروت و توانایی علمی نمی‌تواند زندگی آزاد، برابر و مرفهی برای همگان فراهم کند؟ پاسخ سوسیالیستی روشن است: مانع اصلی کمبود امکانات نیست؛ مناسبات اجتماعی‌ای است که تولید ثروت را تابع سود خصوصی و زندگی انسان را تابع نیازهای سرمایه کرده است.

آزادی و برابری نباید پاداش موفقیت در مسابقه‌ای طبقاتی. آموزش، رفاه، امنیت اقتصادی و امکان رشد آزادانه، حق همگانی انسان‌هاست. از این رو اهمیت اعتراضات فرانسه تنها در مطالبات فوری آن نیست؛ در امکان گشودن افقی فراتر از جامعه‌ای است که جوانان را برای رقابت بر سر آینده‌ای نامطمئن تربیت می‌کند. آینده‌ای که در آن انسان برای سرمایه زندگی نکند، بلکه تولید و ثروت اجتماعی در خدمت زندگی و شکوفایی انسان قرار گیرد.

جامعه انسانی به اندازه کافی ثروتمند و از نظر علمی و تکنولوژیک توانا شده است که فقر، محرومیت و ناامنی اقتصادی را به تاریخ بسپارد. آنچه مانع است نه طبیعت، نه کمبود منابع و نه ناتوانی انسان، بلکه مناسباتی است که زندگی میلیاردها انسان را تابع سود اقلیتی صاحب سرمایه کرده است.

سوسیالیسم پاسخ مادی و تاریخی به این تناقض است؛ اما تحقق آن نه محصول خودکار بحران سرمایه داری، بلکه نتیجه مبارزه آگاهانه، متشکل و سیاسی طبقه کارگر برای پایان دادن به سلطه سرمایه است . سوسیالیسم پایان دادن به حاکمیت سرمایه بر انسان و سپردن اختیار تولید، ثروت و سرنوشت جامعه به خود انسان‌هاست.

زنده باد مبارزه جوانان و کارگران برای آزادی و برابری!
زنده باد کمون پاریس، زنده باد سوسیالیسم!

۱۴ اکتبر ۲۰۲۶

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

اعلامیه کمیته خارج کشور حزب حکمتیست

نبردی نویدبخش برای آینده ای بهتر در خیابانهای فرانسه

اعتراضات موجود به کابوسی برای دولت فرانسه بدل شده است

۲۱سپتامبر در دبیرستان "آنتوان دو سنت اگزوپری" در منطقه محروم کریتی (Créteil) در حومه پاریس اولین جرقه اعتراضات جاری دانش آموزان و دانشجویان فرانسه زده شد، اعتراضی که تاکنون هر روز ابعاد جدیدی بخود گرفته و به یک بحران سراسری در پاریس دامن زده است. دانش‌آموزان با بازگشت به مدرسه متوجه کمبود جدی معلم و کارکنان شدند. اعتراضات به سرعت به صدها مدرسه در پاریس و حومه و شهرهای دیگر به دلیل درد مشترک تل انبار شده، سرایت کرد.این اعتراضات بعد از اعتصاب معلمان در ۱۷ سپتامبر آغاز شد که معلمین علیه کمبود نیروی کار (معلم و کارمند) شروع شد.

فشارهای فزاینده دوران ایمانوئل مکرون بر سیستم آموزش عمومی از جمله: کلاس‌های بسیار شلوغ، کمبود کارکنان پشتیبانی، ساختمان‌های فرسوده، سرویس‌های بهداشتی نامناسب، گرمای طاقت فرسا یا سرمای یخبندان شدید در مدارس در فصول مختلف، برنامه‌های درسی فشرده ، مضافا بر موارد فوق اختلافات فاحش عمیق طبقاتی که در حومه پاریس بیشتر به چشم می خورد بر شدت و توسعه اعتراضات افزوده است. خبرگزاری رویترز از قول یک معلم شهر مارسی گزارش کرده، کلاسش **۳۷دانش‌آموز** دارد و گاهی دانش‌آموزان برای پیدا کردن صندلی و میز به کلاس‌های دیگر سر می‌زنند .

میلیونها دانش آموز و دانشجو و خانواده‌هایشان در نا امنی اقتصادی، شغلی و آینده‌ای تاریک بسر می برند و فقر شدید هر روز بیشتر و بیشتر بر دوش آنان سنگینی می کند. فرانسه تاریخی غنی از اعتراضات بزرگ دانشجویی را داشته که منشا تحولات عظیم بر جامعه فرانسه و حتی قاره اروپا بوده است. اعتراضات دانشجویی در ۱۹۶۸ بزرگترین و موثرترین جنبش دانشجویی در اروپا و حتی به جرات میتوان گفت در سطح جهانی بود که تاثیرات عمیقی را بر جامعه فرانسه گذاشته است. جنبش دانشجویی و دانش آموزی کنونی بعد از اعتراضات ۱۹۶۸ بزرگترین و منسجم ترین اعتراض قریب به ٦ دهه اخیر بوده است.

معترضان به خوبی به این واقفند که دولت برای جنگ و تقویت و گسترش جنگ در اکراین و تقویت بنیه نظامی و نیروگاه‌های اتمی و غیره، چگونه "سخاوتمندانه" میلیاردها یورو به قیمت تحمیل ریاضت اقتصادی اختصاص داده‌اند اما نسبت به سرنوشت میلیونها انسان لاقید هستند و تا دست به اعتراض نزنند مقید جان و امنیت و سلامت سیستم آموزشی و رفاهی جامعه نیستند.

پلیس فرانسه خیابانها را به میدان جنگ با معترضینی تبدیل کرده که بخش زیادی از آنان کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال می باشند که از نبود معلم در کلاسهای درس و یا جمعیت زیاد دانش آموزان در کلاس درس و فرسودگی ساختمانها و اختلافات عمیق طبقای رنج می برند. این

اعتراضات موجب شده جوانان زیادی که در پیِ آینده‌ای بهتر به اعتراضات خیابانی موجود به دانشجویان و دانش آموزان پیوسته‌اند.

در اعتراضات اخیر صدها مدرسه تعطیل شده‌اند. بالغ بر ۷۰۰۰ نفر بازداشت شده‌اند که بر اساس رسانه‌ها ۸۵ درصد آنان کودکانو نوجوانان زیر ۱۸ سال تشکیل داده‌اند. در نتیجه برخورد خصمانه پلیس وحشی فرانسه تعداد زیادی از دانش آموزان و بعضا معلمان زخمی شده‌اند و دست یک نوجوان ۱۵ سال در نتیجه بکار بردن اسلحه جنگ و پرتاب نارنجک قطع شده است.

ماسیچلا، ۱۸ ساله در حین راهپیمایی در شهر "لیل" به خبرنگارگفته است: "آنها ارتش دارند، پلیس دارند؛ قدرت دارند. اما ما جمعیت انبوه داریم.

مارین لوپن رهبر جریان فاشیستی فرانسه و کاندیدای ریاست جمهوری آنها نفرت عمیق خود را نسبت به معترضین اعلام کرده و گفته است: والدین تظاهرات کنندگان باید هزینه "تخریب اماکن عمومی" را بپردازند. او همزمان بر سخت تر کردن شرایط در صورت انتخاب شدنش به ریاست جمهوری در دوره آتی تاکید کرده است.

دولت فرانسه در نتیجه اعتراضات یک گام عقب نشینی کرده و وعده استخدام ۳ هزار معلم جایگزین داده. اما مطالبات دانش آموزان و دانشجویان با این عقب نشینی فاصله زیادی دارد و مشکل اساسی هم عدم تامین هزینه چند میلیارد یورویی است که احتمالا دولت به آن تن ندهد و یا بخش ناچیزی از آن را متعهد شود.

اعتراضات فرانسه راه را به دانش اموزان و دانشجویان بلژیک که از درد مشترکی رنج می برند، نشان داد و اکنون در چند شهر این کشور اعتراضاتی آغاز شده. ناگفته نماند که کل اروپا از این بحران عمیق که بعد از آغاز جنگ روسیه و اکراین تعمیق یافته، رنج می برند.

در بحبوحه این اعتراضات پر شور دانشجویان فرانسه،

صفحه ۸

نبردی نویدبخش برای آینده ای بهتر در خیابانهای فرانسه...

وزارت امور خارجه رژیم ایران، که خود ید طویلی در جنایت و سرکوب و آدمکشی در دانشگاه‌ها و خیابانهای ایران دارد، ژست بشر دوستانه گرفته و به سرکوب **معترضان اعتراض کرده است.** وزارت آبروباخته خارجه رژیم اسلامی فراموش کرده است که نظامیان این رژیم کیان پیرفلک را در مقابل دیدگان پدر و مادرش در خودرو شخصی به قتل رساندند، قتل شمار زیادی از کودکان در جمعه خونین زاهدان که این روزها چهارمین سالگردشان بود. قتل نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل زاده و ده‌ها جانباخته دیگر که پاسداران جهل و سرمایه اجازه نداد روئیاهایشان را متحقق کنند. بر اساس گزارش چشم پزشکان بیش از ۵۸۰ آسیب دیدگی چشم یا نابینا کردن دختران و پسران معترض، گوشه‌ای دیگر از وحشیگری رژیم سرمایه‌داری اسلامی ایران در حق جوانان است. هنوز پژواک سخنان محمد باقر قالیباف جنایتکار که فرمانده وقت "ناجا" بود، در گوشها می پیچد که میگفت دانشجوها را "لوله میکنم"، از یاد نبرده‌ایم که چگونگی دانشجویان معترض رااز خوابگاه‌های سه طبقه وحشیانه به پایین پرت می کردند، ویدیوهای آن شاهد این مدعاست.

به رژیم اسلامی باید گفت خفه شوید و درس "اخلاق و بشر دوستی به کسی ندهید' زیرا ٤٨ سال قبل با انقلاب فرهنگی سرکوب اساتید و دانشجویان رادیکال و کمونیست را آغاز کردید و بر دانشگاه‌ها خون پاشیدی.

اتحادیه‌های کارگری از جمله ث ژ ت در اعتراضات دانش آموزان وارد عمل شدند و در بعضی مواقع برای مهار پلیس وحشی فرانسه بعنوان سپر انسانی مابین پلیس و دانش آموزان ایستادند. در عین حال ائتلافی از بزرگترین اتحادیه‌های کارگری فرانسه (**CFDT، CGT، FO، UNSAو FSU**) قرار است با قدرت بیشتری در روز پنجشنبه پنجم نوامبر سال جاری در واکنش به لایحه بودجه سال ۲۰۲۷، علیه طرح های ریاضت اقتصادی، مسدود شدن روند افزایش حقوق کارمندان و عدم تناسب دستمزدها با تورم و کاهش بودجه بخشهای آموزشی، خدماتی و غیره دست به اعتصاب سراسری در کلیه بخشهای دولتی و خصوصی بزنند.

بدون تردید با ورود اتحادیه‌های کارگری به اعتراضات جاری چه بعنوان یک جنبش مستقل و چه بعنوان والدین بخش چشمگیری از دانش آموزان و دانشجویان می تواند پشتوانه‌ای قوی برای جنبش دانش آموزان و دانشجویان باشد که در بخشهای محروم جامعه از فاصله عمیق طبقاتی متضرر و آینده‌ای پر مخاطره پیش رو دارند.

ادغام این دو بخش قدرتمند برای توقف تعرض بورژوازی فرانسه به سطح معیشت کارگران و خانواده‌هایشان، و زدن بخشهای آموزشی و

خدمات اجتماعی موثرترین سلاح دست اقشار تهیدست جامعه است که فریاد "زنده باد کمون پاریس" را سر میدهند.حزب کمونیست کارگری – حکمتیست ضمن حمایت بی دریغ از اعتراضات جاری فرانسه، بی صبرانه در انتظار تحقق اهداف و مطالبات کارگران و دانش آموزان هستیم.

پیروز باد جنبش اعتراضی دانش آموزان و کارگران فرانسه

زنده باد کمون پاریس

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست

اکتبر ۲۰۲۶

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت فردی و چه در ظرفیت جمعی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است!

منصور حکمت

منصور حکمت را بخوانید و به دیگران معرفی کنید!

http://hekmat.public-archive.net

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

تجمع ۱۱ اکتبر در کلن علیه مضحکه‌گردانی رژیم اسلامی

امیر عسگری

روز یکشنبه ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶، ساعت ۱۵، تجمع اعتراضی نیروهای چپ، سوسیالیست، کمونیست و آزادی‌خواه در شهر کلن، در برابر فراخوان نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی برگزار شد. این تجمع به فراخوان «شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران ـ کلن» و با مشارکت احزاب و نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، از جمله حزب حکمتیست، شکل گرفت.

این حرکت اعتراضی با دو محور روشن و به‌هم‌پیوسته برگزار شد: علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی. شرکت‌کنندگان با تأکید بر مخالفت با هر شکل از جنگ‌طلبی و محکوم کردن جمهوری اسلامی و نیروهایی که تحت عنوان «محور مقاومت» از سیاست‌های منطقه‌ای این رژیم کثیف دفاع می‌کنند، بر ضرورت مبارزه برای آزادی، برابری و رهایی مردم از سلطه جمهوری اسلامی از پایین بدست خود جامعه تأکید کردند.

در جریان این تجمع، سخنرانی‌ها و شعارهای اعتراضی، فضای روشنی از مخالفت با جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را به نمایش گذاشت. حضور فعال نیروهای چپ و آزادی‌خواه و ایستادگی شرکت‌کنندگان در برابر تلاش حامیان جمهوری اسلامی برای پیشبرد برنامه خود، به تقابل مستقیم میان دو موضع سیاسی متضاد انجامید. در نهایت، حامیان جمهوری اسلامی ناچار به عقب‌نشینی شدند و نتوانستند آن‌گونه که انتظار داشتند، صحنه را به نفع خود پیش ببرند.

امیر عسگری، از اعضا و سازمان‌دهندگان اصلی این حرکت اعتراضی از سوی حزب حکمتیست، به دو زبان فارسی و آلمانی سخنرانی کرد. او در سخنان خود بر لزوم مقابله با جنگ و جنگ طلبان، جمهوری اسلامی و نیروهای موسوم به «محور مقاومت» تأکید کرد و بر ضرورت مرزبندی روشن با هر دو سوی ارتجاعی منازعات منطقه‌ای پای فشرد. این تجمع بار دیگر موجب این شد که دستجات وابسته به جمهوری اسلامی نتوانند مضحکه‌گردانی کرده و سیاستهای رژیم آدمخوران اسلامی را در قلب اروپا تبلیغ کنند. با جنگ و نه حمایت از جنگ و سیاست‌های دولت اسرائیل و آمریکا.

کادرهای حزب حکمتیست نیز در این تجمع حضور فعال داشتند و در کنار دیگر نیروهای چپ و آزادی‌خواه در پیشبرد این حرکت اعتراضی مشارکت کردند. این حضور مشترک نشان داد که مخالفت با جنگ و مقابله با جمهوری اسلامی دو موضع جدا از یکدیگر نیستند، بلکه بخشی از مبارزه‌ای واحد برای آزادی، برابری و رهایی مردم از سلطه و سرکوب‌اند.

نکته قابل انتظار در مقابل طرفداران رژیم اسلامی، حضور فاشیستان سلطنت طلب با پرچمهای آمریکا و اسراییل در دست به نشان دفاع از سوی دیگر دول تروریستی بود. یک‌سو جنگ طلبان طرفدار آمریکا-اسراییل که بجای سردادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، رضا پهلوی را صدا میزدند و شعار مرگ بر چپ سرمیدادند، از سوی دیگر طرفداران جنگ طلب جمهوری اسلامی دوسوی ارتجاع را به نمایش کشیدند. این وسط نیروهای چپ بودند که توانستند این صحنه کثیف را تغییر دهند.

تجمع ۱۱ اکتبر کلن بار دیگر اهمیت حضور مستقل و متکی به نیروی چپ و آزادی‌خواه را در مقابله با تلاش‌های جمهوری اسلامی و حامیانش برای صحنه‌گردانی در خارج از کشور نشان داد. این حرکت با سخنرانی‌ها، شعارهای اعتراضی و حتی تقابل شرکت‌کنندگان با حامیان رژیم به پایان رسید و عقب‌نشینی آنان، شکست دیگری برای تلاش‌هایشان در تحمیل نمایش سیاسی خود در فضای اعتراضی خارج کشور بود.

پیام این تجمع روشن بود: نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی و نه به نیروهایی که زیر پرچم ضدجنگ یا ضدامپریالیسم، به دفاع از جمهوری اسلامی و سیاست‌های ارتجاعی آن می‌پردازند. آزادی و برابری مردم ایران تنها با مبارزه‌ای مستقل از دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی، و با اتکا به نیروی مردم و جنبش‌های آزادی‌خواهانه آنان، می‌تواند تحقق یابد.

۲۴ مهر ۱۴۰۵

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گزارش تجمعات اعتراضی خارج کشور علیه احکام شنیع اعدام در روز جهانی علیه اعدام (دهم اکتبر)

تشکیلاتهای کشوری و شهری حزب حکمتیست همراه با سایر احزاب و نهادها در این روز جهانی علیه احکام وحشیانه اعدام که از بدو به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی از پشت بام مدرسه رفاه آغاز شد و تاکنون بالغ بر ۱۰۰ هزار انسانی برای مرعوب کردن جامعه بصورت فردی و گروهی یا دسته‌جمعی اعدام شده‌اند که ده‌ها سال از گورهای دسته‌جمعی می گذرد و در بسیاری موارد خانواده جانباختگان و اعدام شدگان هرگز از محل دفن عزیزانشان مطلع نشدند.

بریتانیا – لندن

به فراخوان "همبستگی با مبارزات مردم ایران – لندن" بمناسبت روز جهانی علیه اعدام تجمع احتراضی در میدان پر تردد ترافالگار لندن برگزار شد. بنرهای علیه اعدام در قطعات بزرگ و کوچک ابتدا توجه عابرین را بخود جلب می کرد. در این تجمع به زبانهای انگلیسی و فارسی برای حاضرین سخنرانی می شد. سعید آرمان ابتدا سخنانی علیه اعدام قرائت نمود، جامعه‌ای که برای دفاع از خود به جلاد و گیوتین و طناب دار و اتاق گاز پناه میبرد، جامعه سالمی نیست، بلکه به جنایت و آدمکشی قانونیت میدهد. صدها اعدام در فاصله چند ماه در ایران را نسبت به جمعیت به رکوردار قتل عمد دولتی در جهان بدل کرده است.

در ادامه رفقا ایوب رحمانی بیانیه‌ای به زبان انگلیسی علیه اعدام و الماس فرضی فرضی از حزب کمونیست ایران سخنرانی به زبان انگلیسی و در بخش دیگر قرائت اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، در ادامه رفیق نسرین ابراهیمی از فعالین سازمان راه کارگر متنی را بزبان انگلیسی علیه مجازات اعدام قرائت نمود و هلاله طاهری از حزب حکمتیست به زبان انگلیسی سخنانی علیه اعدام ایراد نمود، مرسده قائدی از طرف "جنبش دادخواهان خاوران" به زبان فارسی در همین مورد سخنانی ایراد نمود و علی خدری از پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان را قرائت نمود.

در میانه سخنرانیها بیانیه همبستگی با مبارزات مردم ایران – لندن به زبان انگلیسی و همچنین شعارهایی علیه اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی و مرگ بر جمهوری اسلامی، نه به جنگ و نه جمهوری اسلامی به زبانهای فارسی و انگلیسی و همچنین سرودهای انقلابی سر داده شد.

اسلو- نروژ

اکسیون 10 اکتبر "روز جهانی علیه اعدام"، بر علیه حکم شنیع اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی توسط "شورای همبستگی با مبارزات انقلابی مردم در ایران" در اسلو نروژ فرا خوانده شد. حزب حکمتیست، و سایر احزاب سیاسی چپ و کمونیست در این اکسیون شرکت کردند، رفیق ابراهیم باتمانی از طرف حزب حکمتیست سخنانی در مورد احکام وحشیانه اعدام و دلایل و ارزش مصرف اعدام بعنوان مجازات برای رژیم سرمایه‌داری اسلامی بیان کرد. رفیق ابراهیم در ادامه سخنان خود به اهمیت و جایگاه آزادی زندانیان سیاسی پرداخت و بر بر تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی در جامعه تاکید کرد.

در تجمع اعتراضی تصاویر تعدادی از جانباختگان و همچنین زندانیان سیاسی محل که از طرف شورای همبستگی با مبارزات انقلابی مردم در ایران تهیه شده بود در دست شرکت کنندگان بود. شایان ذکر است که به فراخوان شورای همبستگی با مبارزات انقلابی مردم در ایران قرار است روزهای ۱۷ و ۱۸ اکتبر علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی مجددا تجمعی در مرکز اسلو برگزار کنند.

سوئد - گوتنبرگ

به فراخوان کانون همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ایران در گوتنبرگ تجمع اعتراضی در مرکز شهر گوتنبرگ -برونس پارک، بمناسبت دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام برگزار شد که فعالین سیاسی و احزاب چپ و کمونیست نیز در آن شرکت داشتند از جمله حزب کمونیست کارگری – حکمتیست، حزب کمونیست ایران و حزب حکمتیست – خط رسمی و جمع ی از فعالین سیاسی چپ و کمونیست در آن سرکت کردند.

رفیق کریم نوری از حزب حکمتیست ابتدا به زبان سوئدی علیه علیه احکام شنیع اعدام از بدو به قدرت رسیدن رژیم اسلامی تاکنون که برای سرکوب به اعدام متوسل شده است. سلیمان قاسمیان شاعر کمونیست و انقلابی یکی دیگر از سخنرانان این تجمع بود. در ادامه ریبوار مصلح فعال سیاسی کمونیست و شاعر انقلابی به زبان انگلیسی علیه مجازات شنیع شعری را قرائت کرد. رفیق حبیب سلطانی از طرف حزب کمونیست ایران سخنران بعدی بود که رفیق پیمان محمدی و ... با سر دادن شعار علیه اعدام و در دفاع ازادی زندانیان سیاسی، مرگ بر جمهوری اسلامی و غیره سرداده شد.

سوئد – استکهلم

روز شنبه دهم اکتبر بمناسبت روز جهانی علیه اعدام بدعوت طرف شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان و شورای حمایت از مبارزات مردم ایران - استکهلم اجتماعی در میدان "مدبوریارپلاتسن" استکهلم برگزار شد. در این تجمع رفیق سیاوش دانشور از رهبری حزب حکمتیست به زبان انگلیسی سخنانی را علیه اعدام بمثابه قتل سازمانیافته دولتی و در دفاع از حق حیات، همدردی و همبستگی با مردم داغدیده ایران و سلب حق نامشروع دولتها و قدرتها برای کشتن مخالفین احکام بیان نمود. در ادامه رفیق احمد موسوی پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست را قرائت نمود. در این تجمع به زبانهای

صفحه ۱۱

اعدام مجازات نیست، قتل عمد دولتی است!

گزارش تجمعات اعتراضی خارج کشور علیه احکام

شنیع اعدام در روز جهانی علیه اعدام (دهم اکتبر)...

سوئدی و فارسی شعارهایی علیه اعدام، و رژیم اسلامی و در حمایت از زندانیان سیاسی سر داده شد.

آلمان – کلن

یکشنبه ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ ساعت ۱۵ به فراخوان شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران- کلن و احزاب سیاسی از جمله کمیته آلمان حزب حکمتیست در تقابل با فراخوان نیروهای طرفدار رژیم اسلامی در شهر کلن، تجمعی اعتراضی با حضور نیروهای چپ، سوسیالیست و آزادیخواه برگزار گردید. در این تجمع که با دو تم علیه جنگ و علیه جمهوری اسلامی برگزار گردید، با سخنرانی ها و شعارها و حتی تقابل شرکت کنندگان حامیان جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی شدند. امیر عسگری دبیر کمیته حزب حکمتیست که یکی از سازماندهندگان اصلی این تجمع، به زبانهای فارسی و آلمانی علیه جنگ و علیه جمهوری اسلام و نیروهای موسوم به محور مقاومت سخنرانی کرد. کادرهای حزب حکمتیست در این تجمع شرکت داشتند و این حرکت جمعی موجب شد بار دیگر عوامل جمهوری اسلامی در صحنه گردانی در خارج کشور با عقب نشینی مفتضحانه شکست دیگری را متحمل شوند.

نه به اعدام!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران -حکمتیست
اکتبر ۲۰۲۶

قطع جنگ بیدرنگ!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

افزایش ساعات پخش تلویزیون آلترناتیو شورایی

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

اطلاعیه

به اطلاع بینندگان "تلویزیون آلترناتیو شورایی" می‌رسانیم که برنامه‌های ما که اکنون دو روز در هفته پخش می شود، از ۱۰مرداد ۱۴۰۵برابر با ۱ اوت ۲۰۲۶ به شش روز در هفته افزایش پیدا می‌کند.

برنامه‌ها از ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر روزهای دوشنبه تا شنبه

پخش و در طول شبانه روز، دو بار روی فرکانس زیر تکرار می شود.

مشخصات تلویزیونی شبکه ماهواره‌ای
Alternative Shorai Satellite:
Yahsat Frequency: 12594Polarization: Vertical/ عمودیSymbol Rate: 27500 FEC: 2/3

تلویزیون آلترناتیو شورایی
رسانه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پخش مستقیم برنامه های تلویزیون آلترناتیو شورایی
https://alternative-shorai.tv

علیه جنگ و جنگ طلبان، برای سرنگونی جمهوری اسلامی!

اعدام قتل عمد دولتی است!

متن فارسی سخنرانی در اجتماع ۱۰ اکتبر علیه اعدام در استکهلم،

سیاوش دانشور

دوستان و همه کسانی که امروز در کنار ما ایستاده‌اید، خوش آمدید!

ما امروز در این ۱۰ اکتبر اینجا جمع شده‌ایم چون قلب‌هایمان سنگین و داغدار است، اما اراده‌مان هرگز نشکسته است. ما امروز اینجا نیستیم تا درباره قوانین پیچیده حقوق یا تئوری‌های سیاسی بحث کنیم. ما اینجاییم تا درباره چیزی حرف بزنیم که به تک‌تک ما تعلق دارد: حق ساده و مقدسِ زنده بودن.

وقتی یک حکومت جان یک انسان را می‌گیرد، ما باید آن را با نام واقعی‌اش صدا بزنیم: این "اجرای عدالت" نیست؛ این قتل عمد دولتی است. این یک خشونت حساب‌شده و خونسردانه است. هیچ سیاست‌مدار، هیچ قاضی و هیچ حکومتی نفس کشیدن را به ما هدیه نداده است که امروز حق داشته باشد آن را از ما پس بگیرد. حق حیات مطلق است؛ بدون قید، بدون شرط و بدون هیچ معامله‌ای!

خطاب به مردم شجاع ایران و خطاب به خانواده‌هایی که هنوز در سوگ عزیزانشان—عزیزانی که در کشتار هولناک دی‌ماه از آن‌ها ربوده شدند—اشک می‌ریزند: **می‌خواهیم بدانید که شما تنها نیستید. ما درد شما را می‌بینیم. ما شریک غم شما هستیم. شکستگی قلب شما، شکستگی قلب ماست.**

آن معترضان جوانی که در ماه‌های اخیر، پس از دادگاه‌های چند دقیقه‌ای و شکنجه‌های بی‌رحمانه به پای چوبه‌های دار کشیده شدند، مجرم نبودند. آن‌ها فرزندان، خواهران، برادران و پدر و مادرانی بودند که زندگی را دوست داشتند و رویای آزادی در سر داشتند. حکومت نتوانست صدای آن‌ها را در خیابان‌ها خفه کند، پس از طناب دار استفاده کرد تا کاری را که در خیابان شروع کرده بود، تمام کند. این یک "مجازات قانونی" نیست؛ این ادامه همان کشتار خیابانی است که حالا پشت درهای بسته پنهان شده است.

اما ما می‌گوییم: کافی است، دیگر بس است! ما اجازه نمی‌دهیم نام آن‌ها فراموش شود. ما هرگز این بی‌رحمی دلبخواهی را به عنوان "عدالت" نخواهیم پذیرفت.

امروز از همین خیابان، با یک صدای واحد، خواهان پایان فوری این ماشین کشتار هستیم. ما پای زندگی ایستاده‌ایم. ما در کنار خانواده‌های داغدار ایستاده‌ایم و تا زمانی که سایه طناب دار برای همیشه از بین نرود، آرام نخواهیم نشست.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

سپاسگزارم!
۱۰ اکتبر ۲۰۲۶

آدرسهای تماس با
حزب کمونیست کارگری – حکمتیست

دفتر مرکزی حزب
وریا روشنفکر
daftaremarkzy@gmail.com
voryaroushanfekr@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی
رحمان حسین زاده
hosienzade.r@gmail.com

دبیر اجرایی
سعید یگانه
saidwahedi25@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی
ناصر مرادی
moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده
سیاوش دانشور
Siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته کردستان
صالح سرداری
sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج
سعید آرمان
saeed_arman2002@yahoo.co.uk

دبیر کمیته تبلیغ
اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران– حکمتیست

سردبیر : سیاوش دانشور
Siavash_d@yahoo.com

هیئت تحریریه: پروین کابلی، سیوان کریمی، ملکه عزتی، رحمان حسین زاده، علی جوادی، سیاوش دانشور، ناصر مرادی، وریا روشنفکر، امیرعسکری.

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. آخرین مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز پنجشنبه است. کمونیست شنبه ها منتشر میشود.

partow TV
@patowtv
Thepartow TV
@PartowTV
@PartowTV

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
@hekmatist
Hekmatist.org
@hekmatist1917
@hekmatist pary
حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!